

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۳۱ فروردین برابر ۲۰ آوریل ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳

انتخابات یا

تثبیت حامیان غارت زحمتکشان

بالاخره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در روز یکشنبه ۲۶ فروردین برگزار شد. نا لحظاتی که این سطو رنگاشته می شد، نتیجه قطعی انتخابات اعلام نشد. بود، اما نینم نگاه می به جو عمومی کشور " مبارزه انتخاباتی " کاندیداهای هفت پار آب کشیده شده رژیم در روزهای پیش از انتخابات نیز نشان می دهد که نتیجه این صحنه سازی، حتی در میان این کاندیداها، چیزی جز تحمیل لیستهای کم و بیش توافق شده توسط حکام جمهوری اسلامی نیست.

گردانندگان انتخابات، حدود ۱۰ روز را برای " مبارزه انتخاباتی " کاندیداها تعیین کردند. در این ۱۰ روز، آنچه مطرح نشد، برنامه انتخاباتی کاندیداها بود. روزنامه های وابسته به حکومت در این ۱۰ روز، صفحات خود را به چاپ لیستهای بلند بالای نهاد های قدرت، از قبیل حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز تهران، بازارو ۰۰۰ اختصاص دادند. در حالیکه قبلا سران حکومت به دنبال عدم موفقیت این نهاد های قدرت در ارائه لیست واحد، به مردم توصیه کرده بودند که احتیاجی نیست به لیستهای رای بدهند، بلکه با اصلاح خود می توانند

بقیه در صفحه ۲

بمناسبت صد و چهاردهمین سالگرد تولد لنین

آموزشهای سترگ لنین چراغ راهنمای بشریت

در صفحه ۷

رهبران جمهوری اسلامی در تدارک ماجراجویی جدید نظامی

یک میلیون تن از افراد مسلح ایرانی آماده حمله به اهدافی هستند که علیات " خیبر " از دستیابی و فتح آنها عاجز ماند.
رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع در بیان بقیه در صفحه ۹

باشکست علیات " والفجر ۵ "، " والفجر ۶ " و خیبر، رهبران جمهوری اسلامی تدارک لشکرکشی جدیدی را می بینند تا به یک ماجراجویی نظامی جدید با اهداف مدخله گرانه جامعه عمل بپوشانند. منابع غربی گزارش داده اند که

سلاح شیمیایی: بهانه ای برای تشدید شوروی ستیزی و نزدیکی به امپریالیسم از سوی حکام جمهوری اسلامی

مساله برای تشدید شوروی ستیزی و نیز تسریع روند نزدیکی به امپریالیسم.
بلافاصله پس از اعلان بمباران شیمیایی نیرو های ایران، منابع حکومتی ایران از انگلستان، ایتالیا و آلمان فدرال به عنوان کشورهای احتمالی صادر کننده گاز شیمیایی به عراق نام بردند. حتی روزنامه های غربی نوشتند که عراق امتیاز تولید سموم مزبور را از کارخانه های

در جریان تعرض نیروهای ایران به خاک عراق تحت عنوان " علیات خیبر "، استفاده رژیم جنایتکار عراق از بمبهای شیمیایی مطرح شد. این موضوع بلافاصله به خوراکی تبلیغاتی مناسبی برای حکومت ایران تبدیل گشت تا ناگامی تعرض نظامی اخیر را توجیه کند. اخیرا دو وجه دیگر نیز به تبلیغات حکومت ایران پیرامون استفاده عراق از سلاح شیمیایی اضافه شده است: بهانه قراردادن این

بقیه در صفحه ۶

پیرامون مصاحبه رئیس مجلس با تلویزیون امریکا

بطور عیان و آشکار از آمریکا ظاهرا بخاطر موضع وزارت خارجه آن کشور درباره استفاده عراق از سلاح شیمیایی در درگیریهای اخیر جبهه های جنگ، تمجید کرده، به سؤال

اخیرا هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی مصاحبه ای باشبکه تلویزیونی " ای بی سی " آمریکا داشته است که نگاه می به آن خالی از فایده نیست.
آقای رفسنجانی که در همین مصاحبه

بقیه در صفحه ۵

چگونه عفریت جنگ شیره جان کارگران زحمتکش را میمکد

در صفحه ۴

نیروهای آزادیبخش السالوادور
به پیش می روند

در صفحه ۱۰

حسادت امریکا و عقل زاین!

در صفحه ۵

خودسری ویی قانونی:

تنها قانون حاکم بر قوه قضائیه ج.ا.

در صفحه ۲

اعتراض کارگران پارس الکتریک

در صفحه ۶

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

انتخابات

یا تثبيت حامیان غارت زحمتکشان

بقیه از صفحه اول

تک تک منتخبین خود را برگزینند، در روزهای آخر قبل از انتخابات، این توصیه حاجای خود را بمتجدد و تاکید بر نقش "خبرگان" در معرفی کاندیدها داد. حتی در حالیکه ظاهراً تاکید شده بود امکانات دولتی و تربیون‌های نفاذ جمعه مورد استفاده انتخاباتی قرار نخواهند گرفت، مهد و یکی دبیگر کل جامعه روحانیت مبارز تهران در نماز جمعه ۱۷ فروردین رسماً از سوی این جامعه سخن گفت و بعد هم مدعی شد: "ما نظرات خود را نمی‌خواهیم بر مردم تحمیل کنیم." (کیهان ۱۸ فروردین)

حتی از مصاحبه ۲۳ فروردین امام‌سی کاشانی عضو فقهای شورای نگهبان و رئیس هیات نظارت بر انتخابات باصداقی جمهوری اسلامی نیز می‌توان فهمید که "برنده" این باصطلاح مبارزه انتخاباتی کسانی بودند که پول و زور کافی در اختیار داشتند تا بتوانند دستجاتی از او باش‌راه راه بیندازند و پسا کارهایی از قبیل پاره کردن پوسترها و برهم زدن سخنرانی‌های کاندیداهای منفرد و... و نیز مانند چاپ پوستر و ستر و اعلامیه با تیراهای نجومی، تضعیف ترها را از صحنه بیرون کنند.

این در حالی بود که "واجدین شرایط" از "صافی" پنج مرجع و نیز شورای نگهبان گذشته بودند. در تهران که ۲۴۳ نفر دواطلب نمایندگی شده بودند، تنها نام ۱۵۹ نفر بعنوان نامزد های انتخاباتی اعلام شد. به عبارت دیگر بیش از ۳۰ درصد اسامی خط خورده بود. نام تعدادی از نمایندگان مجلس دوره اول که با برخی از جنبه های سیاست حاکم مخالفت می‌کردند دیگر در میان کاندیدها نیست. در مقابل، چهره های "نورانی" بازار نظیر ۶ نفری که چند ماه پیش با آیت الله خمینی دیدار کردند و ماموریت گرفتند تا مجلس را با بازاری ها و طرفدارانشان پر کنند (سگرا و لادی مدلمان، شفیق، سعیدامانی، رخ صفی، لبانی و ابو الفضل حیدری) و نیز احمد توکلی، چهره آبرو باخته، در فهرست نامزد های انتخاباتی تهران دیده می‌شوند.

دری عدم موفقیت در ارائه لیست واحد انتخاباتی از طرف نهاد های مختلف قدرت در جمهوری اسلامی و بدنبال آن سخنان آیت الله خمینی درباره منع معرفی کاندیدا برای حوزه های دیگر انتخاباتی، "ائتلاف بزرگ" میان نهاد های راستگرای پرفرود، حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دیگران اعلام نشد، اما عملاً لیستهای اعلام شده نشان می‌داد که بنسبت و بست‌های لازم انجام گرفته است. در تهران، حزب

خودسری و بی قانونی:

تنها قانون حاکم بر قوه قضائیه

اقدام "قانون" به مجلس برد (و بار دهم از آن هم مضحک تر - رئیس دادگاه شرع ارتش؛ "انحلال" یک سازمان سیاسی را اعلام نمود. شورای عالی قضایی در اسفند ۶۲ دستور اعدام ۱۰ تن از شریف ترین فرزندان خلق، اعضای حزب توده ایران را صادر کرد. مرتضی مقتدایی در مصاحبه نامبرده خود گفته است: " (در جلسات ششورا) ... دستور العمل های ارشادی جهت وحدت رویه دادگاهها و دادسراهای انقلاب و دادگستری تهیه و تنظیم می‌شد." (همانجا)

یکی از این "دستور العمل های ارشادی" دستور العمل محاکمه و محکومیت اعضا "هواداران حزب توده ایران در شهرستانها بود که هیچ "گناهی" جز فعالیت سیاسی برای دفاع از انقلاب و حقوق مردم نداشتند.

"شکایات ارسالی" که به گفته مقتدایی به آنها رسیدگی شده، چیزی نبوده جز شکایات بزرگ مالکین از دهقانان، شکایات "مستکبرین" از مستضعفین، شکایات کارگران و دهقانان و مردم زحمتکش در قوه قضائیه جمهوری اسلامی راه به جایی نمی‌برد. اگر حکمی اجرا شده، حکم پس گرفتن زمین از دهقانان، حکم برگرداندن کارخانه به سرمایه دار، حکم محکومیت زحمتکش بوده است.

مرتضی مقتدایی در مصاحبه ۲۳ فروردین خود باصداقی جمهوری اسلامی درباره علت عدم اجرای اصل سی و پنجم قانون اساسی که می‌گوید "در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل رانداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد" گفته است:

بقیه در صفحه ۳

این روزها مقامات قضایی جمهوری اسلامی راجع به "دستاوردهای قوه قضائیه" و "پیشرفت‌های" آن زبید سخن می‌گویند. مرتضی مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی، در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود در سال جدید، در رابطه با اقدامات شورای عالی قضایی در سال گذشته اظهار داشت: "در سال ۶۲ قوه قضائیه ۱۰۰ اقدامات شایسته ای انجام داد. اعزام نیرو به جبهه‌ها برای تشویق و تبلیغ رزمندگان و نبرد با صدامیان و ارسال کمکهای مالی نمونه ای از آنهاست." (کیهان ۱۸ فروردین)

البته از این "اقدامات شایسته" که بگذریم - زیرا این اقدامات بیشتر به دایره "سیاسی - عقیدتی" نیروهای مسلح و یا ستاد پشتیبانی جنبه ها مربوط می‌شوند تا قوه قضائیه - حاکم کردن خودسری و بی قانونی بعنوان تنها قانون حاکم بر قوه قضائیه جمهوری اسلامی در اس اقدامات شایسته" شورای عالی قضایی قرار دارد. در سال ۶۲ وحشی گریهای "حکومت اوین" تبدیل به مشی غالب دستگاه قضایی جمهوری اسلامی شد و شورای عالی قضایی هم بر آن صحنه گذارد. ترتیب دادن محاکمه فرمایشی افسران میهن پرست جالب ترین "شاه کار" شورای عالی قضایی بود. محاکمه ای که معلوم نبود بر اساس کدام قانون و کدام آیین قضاوت صورت می‌گیرد. محاکمه ای که در آن، دادستان و قاضی جای خود را با هم عوض می‌کردند، و متهم، از ابتدایی ترین حقوق محروم بود. در سال ۶۲ کار قوه قضائیه جمهوری اسلامی به جایی کشید که دادستانش، بایک اعلامیه، قدیمی ترین حزب سیاسی ایران، حزب توده ایران را "منحل" اعلام کرد (شاه برای این

حاکم و "جامعه روحانیت مبارز" ۲۵ کاندیدا از ۳۰ کاندیدا را بطور مشترک اعلام کردند. در قم، جامعه مدرسین و منتخبین مجلس خبرگان اعلام نمودند که به آذری قعی دبیر جامعه مدرسین رای خواهند داد. در سایر شهرستانها نیز دفاتر حزب جمهوری اسلامی و بازار بهشتیان و حامیانشان، عملاً صحنه "مبارزه انتخاباتی" را پر کردند.

با در نظر گرفتن چنین جوی، با تاکید می‌توان گفت که نتیجه انتخابات چیزی جز تحکیم قدرت هواداران غارت لجام گسیخته زحمتکشان در جمهوری اسلامی نخواهد بود. وقایع روزهای قبل از انتخابات صحت پیش بینی

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در بهمن مساه ۱۳۶۲ راه اثبات رسانید که رژیم جمهوری اسلامی "خود را آماده می‌سازد تا با بحریه ارساب و تهدید، با سو استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و باتوسل به تقلب و تعویض صند و قهقهه ای انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند."

با پایان یافتن سناریوی انتخابات، اینک انتظار می‌رود "مجلس تجار" باند وین و تکمیل قوانین ارتجاعی و ضد مردمی "کار" خود را آغاز کنند.

روستائیان زحمتکش به کمبود امکانات رفاهی و عمرانی معترضند

اخبار گویا

— جمهوری اسلامی در ماه ژوئن —
۱۹۸۱ به يك دلال اسلحه ساکن فرانسه ۵۶
میلیون دلار پول برای مهمات زیر پرداخت
کرده است:

۲۰ هزار موشک انداز، ۶۰ هزار خمپاره،
۵۰ میلیون فشنگ، ۶۰۰۰ دستگاه ضد هوایی
و ۱۰۰ هزار گلوله دستگاه ضد هوایی. این
محموله هیچگاه به ایران تحویل نگردید.
(روزنامه دی تسایت، چاپ آلمان فدرال،
۹ مارس ۸۴)

— قطعات الکترونیک و لاستیکهای
هواییهای فانتوم ایران از سوی اسرائیل
تامین می گردد.

— اطریش بهر دو طرف جنگ سلاح
می فرسود.

— بر اساس قرارداد های سال ۱۹۷۳ و
۱۹۷۷، ایران معادل ۶۶ میلیون دلار
کامیوهای نظامی، تانک و واگن های نظامی
از آلمان غربی خریداری کرده است.

— تفنگ های ژ-۳ بر مبنای امتیاز و
اجازه کارخانه Herkler & Koch در ایران
تولید می شوند.
(همانجا)

خودسری...

بقیه از صفحه ۲

" در حال حاضر نیز در برخی از محاکم
وکلای طرفین دعوا حاضر می شوند و از حقوق
موکلین خود دفاع می نمایند. ولی متأسفانه
تشکیلات کانون وکلا که می بایست مطلقاً بر
موازین اسلامی تنظیم شود هنوز تنظیم نشده "
نخست خوددگان و کلا را به این بهانه
که " اسلامی نیست " تعطیل می کنند و سپس
به بهانه اینکه " کانون وکلانداریم " افراد را از
حقی که قانون اساسی به رسمیت شناخته محروم
می سازند.

این است " ارکان حکومت قضا " که
رئیس دیوانعالی کشور می گوید باید در کشور
حاکم شود: بی قانونی، خودسری، صدور
احکام جنایتکارانه برای آزادیخواهان و میهن-
پرستان و بالاخره کمرهت بستن به پاسداری
از منافع سرمایه داران و مالکین بزرگ.

راه روستا دورتر گردیده که برای ماروستائیان
که فاقد وسیله نقلیه می باشیم بسیار مشکل
خواهد بود.

وضع بهداشتی و درمانی روستا طوری
است که " درمانگاه کوچک روستا که بهیچوجه
تکافوی ویست و توابع رانمی دهد در هفته
سه الی چهارروز دارای یک پزشک می باشد."
همچنین، " از طرف دیگر تنها جاده ای که
ارتباط ویست و دهات تابعه را به شهرهای
گلهایگان و خوانسار مرتبط می سازد فاقد اسفالت
است، لیکن اقدامی در این زمینه نیز بعمل
نیامده."

اهالی روستای حصار اولیا می نویسند:
" روستای حصار اولیا، ورامین که دارای ۵۰۰
خروار زمین قابل کشت می باشد با کمبود آب
مواجه می باشد و در حال نابودی است. مسئولین
به فکر آب این روستا باشند آب این روستا را
تامین نمایند. این روستا می تواند نان خود
و ورامین را تامین نماید. هم اکنون حتی برای
تهیه آب خوردن باید به روستایی دیگر بروند و
تمام روستائیان به تهران یا ورامین مهاجرت
می کنند."

و بالاخره نمونه ای از " سردوانندان"
روستائیان از سوی ادارات دولتی:
" قریه خرابه که در ۳ کیلومتری
شهرستان اردبیل که در ۸۰۰ متری جلاده
اردبیل تبریز واقع گردیده است متأسفانه تاکنون
از سوی مسئولین برق رسانی نسبت به وصل برق
اقدامی نگردیده است. در این مورد ابتدا به
نیروی برق شهرستان اردبیل مراجعه کردیم و
آنها ما را به تبریز پاس نمودند، به تبریز مراجعه
نمودیم و آنها نیز برای آنکه ما را به بوته فراموشی
بگذارند گفتند دو سال دیگر مراجعه کنید.
در خاتمه نیز گفتند برای ۳۰ خانوار برق
نمی توان داد. اهالی بعزت نبودن برق
باهزاران مشکلات مواجه هستیم."

در مقابل تمام این شکایات ها و اعتراضات،
سران حکومت چیزی ندارند بگویند جز اینکه
روستائیان به شهرها نیایند، در روستاها
بمانند و سختیها را تحمل کنند. آنها حاضر
نیستند به خواسته های اساسی زحمتکشسان
روستا جامه عمل ببوشانند.

و رشکستگی اقتصاد کشاورزی کشور که
شماره سیاستهای خانه خراب کن حکومت جمهوری
اسلامی است، پیش از هر چیز ریشه در ادامه
حیات ننگین بزرگ مالکی، وضع فلاکت بار زندگی
روستائیان و گسترش فقر و محرومیت و کمبود
امکانات رفاهی و عمرانی در روستاها دارد. بسا
این حال، حکومت جمهوری اسلامی، برای
" حل " این مشکل باز هم روستائیان زحمتکش
را از زبان رئیس جمهور سخنانی خطاب قرار
داده و می گوید:

" کشاورزان و روستائیان و کسانی که
بکار کشاورزی مشغولند نیز اسامی ارسال
تحریک کشاورزی قرار دهند تا اولین قدمها
در راه خودکفایی مواد غذایی که مهمترین
اقدام خودکفایی است، برداریم." (اطلاعات
۶ فروردین)

اما مردم روستاها که تا بحال در راه انقلاب
و برای شکوفایی کشاورزی کشور متحمل سختیها
و رنجهای زیادی شده اند، بیش از این حاضر
نیستند " داوطلبانه " شرایط مشقت بار حاکم
بر روستاها را تحمل کنند. آنها به اشکال
گو ناگون به بازگشت ملاکین، عدم رسیدگی
حکومت به وضع رفاهی و عمرانی روستاها و...
اعتراض می کنند. روزنامه کیهان در شماره ۱۴
فروردین خود نامه های روستائیان را که در آن
گوشه ای از مصایب خود را منعکس ساخته اند،
به چاپ رسانده است.

یکی از اهالی روستایی در غرب قزوین
می نویسد: " ما کشاورزان و دامداران قریبه
نیروی و اقد در غرب قزوین مدتهاست تقاضای
برق رسانی به روستای خود را نموده ایم اما تا
کنون اقدامی از سوی مسئولین در این رابطه
انجام نشده است."

از " ویست " خوانسار نامه ای درج
شده که طبق آن، " علیرغم خواسته های مکرر
رابطه با تبدیل از روستا به بخش به منظور
برخورداری از رفاه بیشتر، متأسفانه تاکنون اقدام
مثبتی انجام نگرفته." در ادامه آمده است:
" روستای مذکور قبلاً جز شهرستان گلهایگان
بوده و از چندی قبل جز " و تابع شهرستان
خوانسار شده که تنها از نظر مسیر با توجه به
کمبود وسایط نقلیه عمومی حدود ۱۸ کیلومتر

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

چگونه عفریت جنگ شیره جان کارگران زحمتکش را میمکد

است و من از جامعه کارگران می خواهم کتعام همت و توجه خود در اکامکان معطوف به جنگ کنند. و زیرکارچ ۱۰۰ از کارفرمایان می خواهد تا با اعزام کارگران به جبهه تنور جنگ را گرم نگهدارند: " الان خیل عظیمی از کارگران ۰۰۰ مادر جبهه های جنگ هستند و امید و اریم این شرکت و هجوم به جبهه های جنگ از ناحیه کارگری ما هرچه بیشتر و شدید تر شود و مدیران ما موظف هستند که این تنور جنگ را گرم و گرمتر نگهدارند. (کیهان ۲۸ اسفند)

" گرم نگه داشتن کوره جنگ " تاکنون به بهای جان هزاران کارگر زحمتکش تمام شده است. از کارخانه نسبتا کوچک ناهید اصفهان تاکنون ۷ نفر، کارخانه جهان چیت ۲۲ نفر و از کارخانه ذوب آهن اصفهان تا تیر ۶۲، ۱۲۰ نفر قربانی جنون جنگ ارتجاعی ایران شده اند. شعله های جنگ افروزی جمهوری اسلامی تنها به کارگرانی که وجود سازنده آنها در جبهه های جنگ به خاک می افتند و پایه خاکسترس تبدیل می شوند، بسنده نمی کند، بلکه اگر کارگری احیانا از گلوله های سرسبز و تکه های موشک و یابمبهای شیمیایی جان سالم بدر ببرد، در کارخانه برگ اخراجی او صادر شده است. و از اینکه با تن مجروح و یا جسمی علیل نمی تواند معاش خانواده اش را تامین کند به انواع و اقسام ناراحتی روحی، فشارهای عصبی و بیماری های روانی مبتلا می گردد و این وعده ها و نصیحتهای حکام جمهوری اسلامی مانند هزاران وعده دیگر آنان به تاریخ می پیوندند تا رو سیاهی و رو بگردانی آنان از توده هارا رقم زنند:

" هیچ مدیری حق ندارد کارگری را به جرم رفتن به جبهه اخراج کند. " (هاشمی و زیر صنایع - کیهان ۸ دی ۶۲)
" ادارات کارموظف به جانبداری از کارگرانی هستند که برای مدتی به جبهه ها می روند و نباید این کارگران بهیچوجه نگران از دست دادن کار خودشان باشند. " (کمال گنجه ای قائم مقام وزارت کار - کیهان ۶ آذر ۶۲)

در این میان - علاوه بر یک سوم کل بودجه کشور که صرف جنگ می شود و هیات بقیه در صفحه ۵

کارگران بد رستی ادامه جنگ و تازاندن جوانان و نوجوانان بر روی مین هادرخاک عراق را مغایر با مصالح کشور و منافع طبقاتی خود می دانند و از شرکت در آن خودداری می کنند.

رژیم ج ۱۰ اکنون به صراحت برای واداشتن کارگران به شرکت در جنگ بهارگانهای سرکوبگر حکومتی متوسل شده است. فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۱۰ می گوید: " تاکنون ۴۵ کارخانه بسیج شده و حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران به جبهه های جنگ اعزام شده اند. " (کیهان ۳۰ شهریور ۶۲)

رئیس جمهور از اعتقادات مذهبی

در حکومت جمهوری اسلامی تنها تازیانه های قوانین ارتجاعی کار، انحلال تشکل های کارگری، نداشتن امنیت شغلی، کمبود دستمزد، گرانی و سوانح صنعتی نیستند که بر پیکر رنج دیده کارگران فرو می آیند، بلکه اژدهای آذمخوار جنگ نیز جان و مال آنها را می بلعد.

رهبران جمهوری اسلامی با استخوانهای زحمتکشان " تنور جنگی " را گرم نگهیدارند که جبهه های آنرا با امیال جنگ طلبانه و اهداف مداخله گرانه در آنسوی مرزهای ایران گشوده اند.



کارگران سو استفاده می کند و می گوید: " معجزه الهی به سراغ آن کارگری خواهد آمد که برای کار و تلاش فداکاری می کند. معجزه الهی به سراغ رزمنده ای می آید که در میدان جنگ همه نیرو و وجود خود را ایثارگرانه فدا می کند، اگر این ۰۰۰ نیاشد مطمئنا معجزه هم به سراغ انسان نخواهد آمد. "

وزیر کار چند هفته پس از انتشار لایحه جدید قانون کار " خطاب به کارگران و رزشکار می گوید: " سابقه اصلی مادر جبهه جنگ

کارگران که در آغاز جنگ شرکت در آن را وظیفه انقلابی خویش می دانستند در جبهه های به وسعت ایران بسیج و تجهیز شده و با انکاء به آگاهی سیاسی، شطبقاتی، ایثار انقلابی، قوه ایثار خلاقه شان در کارزار عظیم میهن برای دفاع از استقلال، آزادی و استقرار صلح شرکت جستند، اما اکنون که مدت ها نیست تجاوز ارتش صدام دفع، و با ایستادگی های قهرمانانه مردم مارژیم صدام مجبور به جانبداری از آتش بس و برقراری صلح شده است،

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

حسادت امریکا و عقل ژاپن!

"وقتی که ایران اسلامی چنین تصمیم گرفت، غرب بسیار عصبانی شد و تاتوانست برای ایران مشکل ایجاد کرد ۰۰۰ اکنون ۰۰۰ تجار امریکایی مرتباً می کوشند تا به ایران کالا صادر کنند و حتی حاضرند کالاها را در رکشورهای دیگر معامله کرده و با مارک غیر امریکایی به ایران بفروشند و شرایط بسیار سهلی را پیشنهاد می کنند، اما نه فقط دولت جمهوری اسلامی ایران و مسئولین موسسات وابسته به دولت، که بخش خصوصی ایران هم حاضر به قبول کالای امریکایی نیست و امریکا پشیمان از حماقتی که مرتکب شده، ملایم است تا هر پیشنهادی از جانب ایران را سریعاً "اجرا کند" (۱) امریکا که تحریم جمهوری اسلامی علیه خود را جدی یافت کوشید تا از کسب سود توسط رقیب نیز مانع بعمل آورد ۰۰۰ امریکا مشاهده کرد که فرانسه بخاطر بقیه در صفحه ۹

سرمقاله روز ۱۴ فروردین روزنامه صبح آزادگان باتیتر "غرب، سیاست و تجارت" به بررسی روانکاوانه روابط امپریالیسم و ایران اختصاص یافته است. این مقاله با امضای "والسلام ک" که شاید کمال گنجه ای معاون وزیر کار باشد به چاپ رسیده است.

در این مقاله امپریالیستها بسر روی نیم تختهای فرودی "گذاشته شده اند و ظاهراً فقط ژاپن موفق گشته عاقل بودن خود را به تحلیل گر صبح آزادگان ثابت کند.

آقای و السلام ک. که با آوردن این مقدمه: "جمهوری اسلامی بخاطر اینکه اقتصاد ایران از تسلط یک بلوک خارج شود، مناسب تهیه کالا از خارج را متنوع کرد و الویت را به کشورهای اسلامی و غیرمتعهد داد." به کاوش "حسادت"، "بی توجهی" و "عصبانیت" امپریالیستهای پردازد.

پیرامون مصاحبه رئیس مجلس با تلویزیون امریکا

بقیه از صفحه اول
خبرنگار امریکایی که "در حال حاضر نظرسنجی جمهوری اسلامی ایران در مورد امریکا چیست؟" پاسخ داده است.

پاسخ آقای رفسنجانی تاحد زیادی گویای حقایق درباره موضع کنونی حکومت جمهوری اسلامی نسبت به "شیطان بزرگ" است.

رئیس مجلس پس از گلایه و شکایت دستاورد و ستانه بابت فشارهایی که امریکا به ایران وارد آورده، از جمله حمایت آن از تروریستهای چپ و نیمه چپ، درباره رفتار امریکا در دادگاه لاهه سخن رانده و تلویخا اشاره کرده است که علیرغم عقب نشینی های ایران در دعوی مربوط به اموال ضبط شده ایران در امریکا، دولت امریکا فشار خود را بیشتر کرده و از جمهوری اسلامی امتیازات بازهم افزون تری می طلبد.

"در دادگاه لاهه آنجایی که ما بخاطر اینکه این تشنجها را کم کنیم پذیرفتیم در دادگاه مرضی - الطرفین مسایل مان را با امریکایی ها حل بکنیم آنها در آنجا دارند زور می گویند." (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

رفسنجانی سپس از دولت امریکا در مورد موضع آن در قبال استفاده عراق از سلاح شیمیایی قدر دانی کرده برای آنکه به امریکاییها بفهماند که هنوز حکومت ایران در موقعیتی نیست که بتواند همه "تشنجها" را علناً و رسماً کنار بگذارد و بطور عیان به افشوش امریکا بشتابد، می گوید: "آن ماهیت استعماری و استکباری و زورگویی امریکا و توسعه طلبی که دارد یک مقدار کار را (کدام کار را؟) مشکل کرده است." (همان منبع)

رئیس مجلس در خاتمه با لحن التماس آمیزی خطاب به امریکایی گوید: "اگر بنا باشد چیزی بهتر بشود آن کسی که سالها بد کرده است باید لااقل یک مدت خوب بکند تا بتواند اعتماد را جلب بکند."

والبته این اعمال "خوب"ی که امریکا باید انجام دهد، چیزی نیست جز احیاء قرارداد ۲۰ میلیاردی شاه با امریکا برای خرید اسلحه (که رفسنجانی چند ماه پیش خواهان آن شد) و تحویل اسلحه هایی که برای حکومت ایران "از نان شب واجب تر" است، و یا حمایت از ایران در جنگ با عراق. برای ترغیب امریکا به انجام این "اعمال خوب" جمهوری اسلامی حاضر است بهای گزافی شامل وابستگی روز افزون اقتصادی به امریالیستها و دربیامد آن احیای وابستگی سیاسی، سرکوب خشن هم نیروهای ضد امپریالیست و مردمی، فروش نفت به بهای نازل و پرکردن جیب انحصارات تسلیحاتی و غیر تسلیحاتی و ۰۰۰ بپردازد.

بقیه از صفحه ۴

چگونه عفریت جنگ...

حاکمه و عده داده بود آنرا برای رفسا "مستضعفین" خرج خواهد کرد - رژیم جنگ را مانند زالو به جان کارگران انداخته است تا از خون آنها ارتزاق کند، عوامل حکومت در کارخانه ها با عوامفریبی، تهدید و ارعاب کارگران را که دستمزدها آنها حتی حداقل معاش را تامین نمی کنند سرکشی می کنند. جدول زیر نمونه کوچکی را از جمع آوری پول که اکثر بصرورت برداشت مستقیم از حقوق کارگران است، فقط در چند کارخانه نشان می دهد:

"نمودار مبلغ جمع آوری شده از کارگران چند کارخانه برای تامین هزینه جنگ"

اسم کارخانه	مبلغ به ریال	تاریخ
از کارگران شرکت صنعتی جنرال	۱۲۲۳۳۶۸	بهمن ۶۲
" " کارخانه آزمایش	۱۳۰۰۰۰۰	" "
" " شرکت صنعتی آما	۶۵۱۲۶۰۸	دی ماه ۶۲
" " شرکت زامیاد	۱۵۰۰۰۰۰	اسفند ۶۲
" " سازمان هواپیمایی کشوری	۲۰۰۰۰۰۰	" "
" " معدن ذغال سنگ البرز	۱۲۷۵۸۸۵۱۲	تاتیر ۶۲
" " کارخانه سیمان فارس	۱۰۰۰۰۰۰	تا آذر ۶۲

جمهوری اسلامی در عراق گره زده و سرنوشت خود را با جنگ گره خورده می بیند. فقط بیسج توده ای، اتحاد و انسجام عمل نیروهای مترقی قادر است صلح را به میهنمان بازگرداند. تلاش برای صلح، گام زدن در راه زحمتکشان است. پیروزی از آن صلح و سازندگی، از آن مردم زحمتکش است.

رژیم در شرایطی دستمزدها را کارگران را نیز غارت می کند که از هرگونه مجاهدتی برای پرکردن کیسه کلان سرمایه داران کوناهایی نمی کند. رنج و تعب جنگ از آن کارگران و زحمتکشان، رفاه، آسایش و زراند و زی برای بازار، ایست جان کلام سیاستهای جنگ طلبانه جمهوری اسلامی.

اخباری از میهنمان

دانشگاههای دیگر انعکاس خوبی داشته است.

صفهای طویل برای نان

مشکل صفهای طویل نان هنوز هم حل نشده است، بطوریکه گاه اتفاق می افتد که بعد از چند ساعت انتظار در صف بازم برخی از مردم نان گیرشان نمی آید. البته انداز صفها و به همراه آن مشکلات خانواده ها متناوب و در حال تغییر است. یک هفته صفها کوتاه تر می شود و یک هفته طولانی تر. دولت به ناوائیها گفته است کیسه های آرد را در جلو مغازه هایشان بچینند تا مردم بدانند آرد موجود است و "و لعل تهیه نان و یا تصور نبودن آرد نکنند!"

شیوه های شناسایی و پیگرد انقلابیون

مامورین امنیتی جمهوری اسلامی برای دستگیری انقلابیون علاوه بر استفاده از اطلاعاتی که قبلاً جمع آوری کرده و یا از دستگیر شدگان بدست می آورند از شیوه های زیر نیز استفاده می کنند:

۱ - در اماکن عمومی و میدانی ورودی و خروجی شهرها، پستهای بازرسی قرار می دهند. به ویژه در اتوبانهای تهران کتیک شبانه روزی برای این کار گذاشته اند. در این زمینه از "توابین" گروه ها نیز برای شناسایی استفاده می نمایند.

۲ - انقلابیون اخراجی از موسسات خدماتی و تولیدی و دانشگاهها را طی نامه ای دعوت به کار و یا ثبت نام می نمایند. برخی از مراجع کنندگان را در همانجا دستگیری می کنند.

۳ - کنترل تلفن. این شیوه مدتهاست که به شکل گسترده باگوشن دادن مکالمات و یا گذاشتن ضبط روی خطوط تلفن از طرف مامورین امنیتی جمهوری اسلامی انجام می گیرد.

۴ - کنترل از طریق دفتر چه ارزاق مامورین امنیتی از نیروهای خود در محلات خواستارند که گزارش دهند چه کسانی دفترچه ارزاق دریافت نمی کنند.

واقعیات، اتحاد شوروی را متهم می کنند که به عراق سلاح شیمیایی داده است - و طبیعتاً به تبلیغات دولت ریگان در این باره کمک می نمایند. و از سوی دیگر بادسته گل به استقبال و انکش "مثبت" غرب نسبت به این واقعه می روند. گویی برای حکام ایران - در حد امکان افکار عمومی - هیچ چیز دلپذیرتر از این نیست که هر روز لحن تبلیغات خود را نسبت به آمریکا آشتی جویانه تر کنند.

اعتراض کارگران پارس الکتریک

در کارخانه پارس الکتریک، کارگران یک قسمت طوماری که در آن افزایش حقوق درخواسته شده بود، تهیه می کنند. از آنجا که بقیه قسمتها نتوانسته بودند از طومار حمایت کنند، مدیریت کارخانه کارگران آن قسمت را تهدید می کند و به آنها می گوید که بدون کارگران قسمتهای دیگر، کاری نمی توانند از پیش ببرند. پیش نماز کارخانه در دفاع از مدیریت صحبت کرده و کارگران را از آخرت می ترساند. برسر این مساله تشنج بالایی می گیرد و کارگران ۳ نماینده پیش هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس می فرستند. او می گوید کارگران ستون انقلابند اما تهدیدشان می کند که ما را مجبور به توسل به زور نکنید! کارگران تحت تاثیر این جریان، تصمیم می گیرند تولید را کاهش دهند.

یورش حکومت به تشکل های توده ای

در آذربایجان

اخیراً در ادامه یورش ضد مردمی حکومت به تشکل های توده ای (سندیکاها و شوراهای) در آذربایجان چندین تشکل از جانب مقامات حکومتی منحل شده اند، از آن جمله است انحلال سندیکای کفاشان تبریز و شوراهای دهقانی منطقه آذر شهر (روستاهای خانقاه یوسف آباد، دیزج و...)

اعتراض به اخراج دانشجویان

از دانشکده های علوم و دندانپزشکی دانشگاه ملی تعدادی از دانشجویانی را که در دو ساله اخیر ثبت نام کرده اند اخراج می کنند. در پی آن دانشجویان بطور جمعی به رئیس دانشکده مراجعه و علت را جوی می شوند. وی می گوید: این مساله مربوط به من نیست، مقامات خارج از دانشگاه چنین تصمیمی گرفته اند. رئیس دانشکده مورد اعتراض دانشجویان واقع می شود. این اعتراض جمعی دانشجویان در

که رسماً از سوی اتحاد شوروی تکذیب شده است، مرتباً در رسانه های گروهی ایران و از زبان مقامات گوناگون تکرار می گردد.

در نظر گرفتن این دو وجه از تبلیغات حکومتی ایران درباره کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق، بخوبی روشن می سازد که این امر نیز به دستاویزی در راه پیشبرد اهداف ارتجاعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبدل شده است. از یک سو علیرغم تمام شواهد و

سلاح شیمیایی

بقیه از صفحه اول

اروپایی و آمریکایی گرفته است. روزنامه فرانسوی لیبراسیون مورخ ۱۲ مارس ۸۴ نوشت: "برحسب یک منبع خبری مطلع غربی که شبیه درباریس مورد ستوال لیبراسیون قرار گرفت، نازهای فلج کننده در کارخانه مخفی که در مرز عراق و عربستان سعودی قرار دارد، ساخته می شود. این کارخانه بوسیله شعبه ای از شرکت ایتالیایی تکنیپول که خود شعبه ای از شرکت فرانسوی مهندسی نیمه د ولتسی پترو شیمی تکنیپ می باشد ساخته شده است. ۱۰۰۰ ایتالیایی تکنیک تولید مواد اولیه لازم برای تولید گازهای فلج کننده بوسیله یکی از شرکت های آمریکایی به عراق داده شده است. این شرکت بنام فود لاکرپ در روچستر ایالت نیویورک در اوایل سالهای ۷۰ بنا به موافقت دولت آمریکا قرارداد تحویل ایمن مواد را با عراق منعقد نمود."

رفته رفته، نام اتحاد شوروی هم به میان آمد. مقامات حکومتی ایران از "شرق و غرب" بعنوان منابع سلاح شیمیایی عراق اسم می بردند. اما از زمانی که وزارت خارجه آمریکا و بدنبال آن، رسانه های غربی و نیز کشورهای امپریالیستی عراق را در این رابطه محکوم کرده اند، مقامات جمهوری اسلامی بطور تمام عیار کاربرد سلاح شیمیایی را بهانه کارزار تبلیغاتی جدیدی علیه اتحاد شوروی قرار داده اند. امروز حتی کار به جایی کشیده است که بلند پایه ترین عناصر حکومتی از آمریکا بابت موضع گیری آن تشکر می کنند.

رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "ای بی سی" آمریکا درباره و انکش کشورهای مختلف نسبت به استفاده عراق از سلاح شیمیایی سخن رانده و می گوید: "آمریکا نسبتاً از اول جریان خوب برخورد کرد. وزارت خارجه آمریکا نظرش را اعلام کرد که نسبتاً خوب بود." (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

وی در جای دیگری از این مصاحبه اشاره می کند: "در این روزهای اخیر رقصیه کاربرد بمبهای شیمیایی می بینیم که آمریکا آنها را اعلام این مساله جلو افتاده اند. وزارت خارجه آمریکا حرکت نسبتاً خوبی کرده است و بعد هم رسانه های جمعی ادامه دادند و برای اولین بار می بینیم که رسانه های آمریکا یک مقدار کمی واقعیت هارا دارند می گویند." (همانجا)

همچنین کاظم پور اردبیلی معاون امور بین المللی و اقتصادی وزارت خارجه که بنا به گزارش صدای جمهوری اسلامی (۲۱ فروردین) در تکیو با مقام و زیر خارجه ژاپن ملاقات نمود، اتحاد شوروی را متهم ساخت که در جنگ شیمیایی به عراق کمک می کند. این اتهام

بمناسبت صد و چهاردهمین سالگرد تولد لنین

آموزشهای سترگ لنین چراغ راهنمای بشریت

۲۲ آوریل (۲۰ اردیبهشت) صد و چهاردهمین سالگرد تولد لنین آموزگار و رهبر کبیر زحمتکشان جهان است.

ولادیمیر ایلیچ اولیانف (لنین) در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ در شهر سیمبیرسک (اولیانوسک کنونی) واقع در کنار رود ولگا پایه عرصه وجود گذاشت.

مبارزه علیه استبداد تزاری در خانواده لنین یک سنت انقلابی بود. هنگامی که لنین ۱۶ سال داشت، برادر بزرگ او به جرم سوء قصد به جان تزار مستبد روسیه اعدام گردید و این واقعه آتش کین انقلابی لنین علیه استبداد تزاری را شعله ورتر ساخت.

این کین انقلابی در کنار خصایص دیگر از او چنان انسانی ساخت که نام و زندگی با طبقه کارگر روسیه و جهان پیوند خورد.

لنین حیاتی سرشار از مبارزه پیگیر در راه آرمانهای طبقه کارگر و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم را پشت سر گذاشت. زیستن برای او معنایی جز مبارزه با موانع تکامل بشریت و مبارزه در راه عدالت اجتماعی نداشت.

وجود لنین همه سجایای طبقه کارگر را در برمی گرفت: نیروی پایان ناپذیر، اراده آهنین، دشمنی طبقاتی در برخورد با طبقات میرنده، استقامت و پیگیری در میهن پرستی و انترناسیونالیسم، دانش و از خود گذشتگی انقلابی. شخصیت لنین با این خصوصیات برجسته با مبارزات طبقه کارگر گره خورده بود. لنین تجسم یک رهبر طراز نوین بود. اعتقاد عمیق به خرد جمعی در اطراف او فضای رایجی بود که همه با هم احساس برابری داشتند. او سرشار از عشق به توده ها بود. بحث و جدل را کاتالی در جهت درک زندگی و انسانها می دید و بالاخره در یک کلام لنین آموزگار زندگی بود.

ولادیمیر ایلیچ اولیانف (لنین) آموزگار کبیر پرولتاریای جهان، بنیانگذار حزب کمونیست اتحاد شوروی و اولین دولت سوسیالیستی جهان، سوسیالیسم علمی را که توسط مارکس و انگلس تدوین گردید از عرصه تئوری به عرصه عمل کشانید.

در عصری که سرمایه داری دوران رقابت آزاد را پشت سر می گذاشت و وارد مرحله امپریالیستی می گردید، تکامل تئوری مارکسیستی و بررسی و پاسخگویی به وضع جدید و طبقه عمده جنبش انقلابی بود. لنین عهده دار این رسالت تاریخی شد و بانوغ و تیز هوشی خود دمار کمیسیم را درهمه شکن تکامل بخشید. او تو قسفف نعی شناخت و پیوسته این کلام انگلس را که "آموزش

مادگم نیست، رهنمون عمل است" یادآوری شد. لنین با تحقیق در قوانین رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری اثبات نمود که این نظام درگیر چنان تضادهای آشتی ناپذیری است که جهت درمان آنها انقلاب پرولتاریا اجتناب ناپذیر است.

مبارزه با پروتو نسیسم و روبریزو نسیسم رسالت دیگر لنین بود. او با منشویکها و رهبران احزاب انترناسیونال دوم و در راس آنها کائو تسکی که حامل و مبلغ نظرات ضد مارکسیستی بودند به مبارزه برخاست. لنین برخلاف اینسان که هژمونی پروتو نسیسم را در انقلابات بورژوا - دمکراتیک را ضروری می دانستند تا با پروتو نسیسم شدن جامعه زمینه لازم جهت انقلاب سوسیالیستی آماده گردد، عقیده داشت که پرولتاریای توانمند رهبر انقلابات دمکراتیک گردد.

طبقه کارگر را خلق نمود و آموزش منسجم از نقش رهبری کننده حزب، اساس ایدئولوژیستیک و سیاسی آن، بنیاد تشکیلات، استراتژی و تاکتیک و سیاست آنرا ارائه نمود. او همیشه بر این نکته تاکید داشت که اگر طبقه کارگر وسیله حزب مارکسیستی طراز نوین که مجهز به تئوری انقلابی است، رهبری نشود، نخواهد توانست بعنوان سازنده جامعه نوین کمونیستی و وظیفه تاریخی خویش را تحقق بخشد و بدین جهت پایه گذار حزب آهنینی گردید که درفش ظفر نمون طبقه کارگر را در روسیه تزاری به اهتزاز درآورد و کشور شوراهای را بنا نمود.

از دیگر تئوریهای که لنین به موشکافی آن پرداخت "امپریالیسم به مثابه آخرین مرحله سرمایه داری" بود. لنین بدین نتیجه رسید که سرمایه داری به آخرین مرحله تکامل خود یعنی



امپریالیسم وارد گردیده است. و ماهیست امپریالیسم بعنوان سرمایه داری انحصاری را افشا نمود و مشخصات آنرا که در تمرکز تولید و تمرکز سرمایه و ایجاد انحصارها، هم آمیخته شدن سرمایه مالی با سرمایه صنعتی، صدور سرمایه به جای صدور کالا، تقسیم جهان از نظر اقتصادی بین کارتلها، تراستها و کنسرسیومها و بالاخره تقسیم سرزمینهای جهان بین دول بزرگ و قدرت مند سرمایه داری تبلور می یافت، توضیح داد.

لنین در کتاب "یک گام به پیش، دو گام به

بقیه در صفحه ۱۱

لنین سازماننده و رهبر بزرگ حزب کمونیست اتحاد شوروی و بنیانگذار کنسور شوراهای درنوشته های خود آموزش مارکسیسم تحت شرایط تاریخی عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاری و همچنین گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را تکامل بخشید. او در آثار جاودانه اش به تمامی سئوالات اساسی پرولتاریای جهانی که از عصر تاریخی جدید سرچشمه می گرفتند، پاسخ داد.

لنین آموزش مارکسیستی هژمونی پرولتاریا را در انقلابات دمکراتیک و موضع دیکتاتوری پرولتاریا را تکامل بخشید. حزب طراز نوین

در حاشیه



نمایندگان حادث

انتخابات فرمایشی پایان یافت، کاندیداهایی که حکم نمایندگی خود را شفاها گرفته بودند، منتظر ابلاغ رسمی هستند. برخی دیگر امیدهایی دارند و بقیه که جزء سیاهی لشکر بودند به سرکار و کاسبی خود بازگشته اند. آقای جنیدی امام جمعه موقت قم و ظایفی راکه ۱۰۰ از مجلس و نمایندگان آن انتظار دارند، چند روز قبل از انتخابات چنین بیان کرد:

"مجلس اگر بخواهد مجلس باشد و آن مسئولیتی راکه مردم از آن می خواهند و طلب می کنند، این است که مشکلات جامعه رادرك و برطرف کند و بفهمد این مردمی که در این مملکت زندگی می کنند در دستان چیست و برای آن درمان پیدا کند." (کیهان ۱۸ فروردین)

البته وی به مصداق "تشخیص نیمی از درمان است" دردها را می شناسد و چنین بیان می کند: "یک قسمت عمده اش مشکلات اقتصادی است." (همانجا) و صد البته درمان راهم همینطور، "باید ۰۰۰ سرمایه ها بحریان بیفتد و مردم (؟) در بخش اقتصادی زنده و فعال باشند" و اگر "یک نماینده در این مورد طرح داشته باشد" (همانجا) حتماً نماینده حادثی است که دردهای "مردم" را بخوبی درمان می کند.

مزایای جمهوری اسلامی برای دشمنان دیروزی خود!

رفسنجانی رئیس مجلس در قم گفت:

"(دشمنان جمهوری اسلامی) مجبور به اعتراف و پذیرفتن واقعیت می شوند و خودشان را برای دنیای جدیدی آماده می کنند چراکه پیام پیامبر اکرم و قرآن مجید که برای بشریت آورده شده جای خود دراپیدا کرده است و کسانی که تا مدتی قبل آماده شرکت در تشییع جنازه جمهوری اسلامی بودند امروز خودشان را برای اینکه در حرکت جمعی و ری اسلامی به یک نحوی از مزایای این حرکت و این انقلاب بهره مند سازند آماده می کنند و در رابطه با جنگ و مسائل اقتصاد و سیاست جهانی نیز چنین است." (صبح آزادگان ۱۴ فروردین)

البته باید گفت امپریالیستها که تا دیروز دشمن جمهوری اسلامی محسوب می شدند و برای شرکت در تشییع جنازه جمهوری اسلامی آماده بودند (و امروز برای شرکت در تشییع جنازه انقلاب آماده اند) تنها از "پیام جمهوری"

اسلامی (که پیام آمادگی برای احیای اسارت و بندگی است) سود نمی جویند، بلکه از "مزایای" بی نظیر نفت ارزان و ارز فراوان و فروش اسلحه گران نیز، که همه از "برکات" جمهوری اسلامی است، بهره می برند!

پرواز گرم!

ضیاء الحق دیکتاتور "جمهوری اسلامی پاکستان" هفته گذشته هنگام پرواز بر فراز آسمان ایران رئیس "جمهوری اسلامی ایران" را فراموش نمود و با "نهایت مسرت گزین" در روزه ها و آرزوهای خود "رابرادر" خامنه ای فرستاد. آقای خامنه ای نیز با کمال مسرت سریعاً قبل از خارج شدن "برادر ضیاء الحق" از حوزه هوایی ایران پاسخی فرستاد و از جمله چنین گفت: "یکبار دیگر با افتخار فرصت پیرای ملت (الله) مسلمان و برادر پاکستان موفقیست و برای جناب عالی سلامت آرزوی کنم." (حتماً برای سرکوب ملت پاکستان)

رابطه بخاری نفتی و گناه بزرگی!

قید و بندهایی که ج ۱۰ برای مردم فراهم نموده است از شمار خارج است. اکنون رهبران جمهوری اسلامی که از حل مسایل اجتماعی، اقتصادی عاجز و درمانده هستند، با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و امر و نهی رساله ای حتی در مورد مسایل بسیار کوچک و جزئی سیاستهای خود در پیش می برند. گاهی این احکام به شکل مضحکی درمی آیند:

"اگر کسانی وسایل گرمکن منزلشان خراب باشد و در جهت تعمیران اقدام نکنند این گناهی بزرگ (الله) است و یکی از مسایل مخرب

برای جامعه محسوب می شود." (مهدوی کنی نماز جمعه، کیهان ۱۸ فروردین)

خرابی مثلاً بخاری نفتی رایگی از مسایل مخرب جامعه شمردن و عدم تعمیر آنرا گناهی بزرگ قلمداد کردن (ظاهر برای حل مشکل آلودگی هوا) نمونه مضحکی از پایان یابی اقتدار سیاسی برای رهبران ج ۱۰ و تکیه بیشتر آنان به اهرم مذهبی برای رودرویی با مردم است.

خوش حسابی جمهوری اسلامی در برابر غارتگران بین المللی

صندوق بین المللی پول اعلام کرد: "ایران در سالهای آخر رژیم پادشاهی یکی از بدحکامترین کشورهای جهان بوده است." بر اساس گزارش ارگان صندوق بین المللی پول "بدهی ایران در سال ۱۹۷۸ به ۱۰/۹۱ میلیارد دلار رسیده بود." بانک مرکزی ج ۱۰ اعلام کرده است: دولت ایران این بدهی را به "کمتر از یک میلیارد دلار" رسانیده است و روزنامه صبح آزادگان این خبر را با مسرت تمام اعلام می کند. بخوبی روشن است که چنانچه جمهوری اسلامی باتوجه به کسری بودجه و بحران اقتصادی که گریبانگیرش می باشد، چنین خوش حسابی نشان می دهد و بدهی خود (در حقیقت بدهیهای رژیم خائن شاه) را به صندوق غارتگر بین المللی پول می پردازد. برخلاف نظرسر روزنامه صبح آزادگان این نشانه "شکوفایی اقتصاد" جمهوری اسلامی نیست بلکه چراغهای سبزی است که ج ۱۰ به بهای به خاک سیاه نشاندن ایران - برای امپریالیستها روشن کرده و از آنان استعالت و دلجویی می کند.

دم خروس یا قسم حضرت عباس؟

"عبد المالك ختک آنگاه به تماسهای د. و جانبه درد و سال اخیر اشاره کرد و این تماسها را نشانه ای از وجود روح تفاهم بین دو کشور دانست و در مورد پیمان منطقه ای، گفت: از سال گذشته سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه موافقت کرده اند که یک کمیسیون سه جانبه دائم در سطح و زراء داشته باشند. البته مقدمه این کار به این شکل بوده است که جمهوری اسلامی احساس کرده که لازم است با کشورهای مسلمان و همسایه خود روابط گسترده تری داشته باشد. مانیز عقیده داریم این پیمان به نفع مردم سه کشور است و پیشرفت خواهد کرد."

عبد المالك ختک سفیر پاکستان در جمهوری اسلامی در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران - کیهان همان شماره

"ولی از آنجایی که نصرت خداوند همواره شامل حال مومنین و مسلمانان است پیروزی غیرمترقبه انقلاب اسلامی در ایران علیرغم توپخانه های دقیق و حساب شده استکبار جهانی ضربه قاطعی بر منافع آمریکا و سایر استعمارگران بود. ۰۰۰۰ از جمله این ضربات خروج ایران از پیمان تحمیلی سنتو در سال ۵۸ بود که به مفهوم فرارسیدن لحظه مرگ این پیمان ۲۵ ساله است پس از این ضربه پیمان ننگین سنتو دیگر نتوانست موجودیت خود را حفظ نماید و برای همیشه به زباله دان تاریخ پیوست."

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
کیهان ۵ فروردین ۱۳۶۳

حسادت آمریکا و عقل زاین!

بقیه از صفحه ۵

اقامت وقت امام در تبعید در نوفل لوشاتسو ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی از تجارت با ایران به سود سرشاری دست یافته و توانسته از این تجارت منافع سرشاری نصیب خود کند. (نتیجه : معیار جمهوری اسلامی در تجارت نه منافع مردم ایران و ماهیت کشور طرف معامله ، بلکه اقامت این یا آن فرد در آن کشور است !)

" آمریکا با اعزام رجوی ، بنی صدر دیگر ۰۰۰ به فرانسه ، ماهیت امپریالیستی حکام فرانسه را افشا و فرانسه را از منافع سرشار صد و کالا به ایران اسلامی محروم کرد (!!)"

آمریکا همچنین در مورد انگلیس نیز حسادت کرد و انگلیس را که از تجارت با ایران رونقی به اقتصاد و رشکسته اش داده بود با برانگیختن و تحریک بر علیه جمهوری اسلامی ، از این رونق محروم کرد و علاقه به کالای انگلیسی را در ایران به حداقل تقلیل داد .

در مورد آلمان هم مردم ایران نظیر مساعدی داشتند زیرا که مردم ایران می دانند آلمانها هنوز تحت اشغال چکمه پوشان آمریکایی هستند و به همین خاطر ، تجارت با آلمان رونق مطلوبی داشت (نتیجه : تجارت چ ۱۰ با کشورهای رونق دارد که تحت اشغال چکمه پوشان آمریکایی باشند !) آمریکا سیاستمداران آلمان را واداشت تا نسبت به معامله با ایران بی توجهی کرده و مانع از خرید کالاهای ایران تو سط آلمان شوند . . حال آلمان و انگلیس و فرانسه در این میان بی نصیبی مانند اما ژاپن که عاقلانه رفتار کرده . . . سود سرشاری نصیب خود خواهد کرد . (صبح آزادگان ۱۴ فروردین) آقای " و السلام ک . ک " در ربررسی

حسادت آمریکا به فرانسه ، آلمان و انگلستان ناخو استه سیر گسترش روابط اقتصادی و تجاری و سیاسی ایران با امپریالیسم را بیان کرده است که می توان خلاصه آنرا به شکل زیر بیان کرد . " بعد از انقلاب روابط اقتصادی و تجاری چ ۱۰۱۰ با فرانسه تقویت پیدا می کند و فرانسه به سود سرشاری دست یافته و توانسته از این تجارت منافع سرشاری نصیب خود کند " سپس " تجارت با آلمان فدرال رونق مطلوبی می یابد آنگاه انگلیس " از تجارت با ایران رونقی به اقتصاد و رشکسته اش داد " و البته ژاپن عاقل همیشه سود سرشاری داشته است . در همین دوران و اردات کالاهای آمریکایی با مارک غیر آمریکایی و یا از طریق کشورهای دیگر (بویژه ترکیه و پاکستان) به قیمت گرانتر و شرایط دشوارتر ادامه پیدا می کند و اکنون چ ۱۰ " پشیمان از حماقتی که مرتکب شده " و " حسادت " آمریکا را " تحریک " کرده ، مایل است هر پیشهادی را که آمریکا در مورد فروش کالا به ایران داشته باشد ، بپذیرد ."

رهبران جمهوری اسلامی در تدارک ماجراجویی جدید نظامی

بقیه از صفحه اول

جلسه این شورا که در ۴ فروردین برگزار شد ، گفت جزایر مجنون عراق در دست نیروهای ایران است . وی افزود : " امکان تسمان در همان حدی است که نیاز داریم ، این نیروهای جدید هم که وارد جبهه می شوند طبعاً در بخشهای سازماندهی شده خودشان مستقر می شوند و برنامه هایی است که انجام خواهند داد . " (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۵ فروردین)

افرادى که قبلا يك يا چند بار در جبهه هاى جنگ بوده اند دوباره دسته - دسته به جبهه ها اعزام مى شوند .

" بیش از ۳ هزار تن از لشکریان طرح لبیک یا خمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۱۰ شامل تهران ، کرج ، ورامین ، فیروزکوه و دماوند بعد از ظهر امروز طوسی مراسم باشکوه ای از پادگان امام حسن عسازم جبهه های نور علیه ظلمت شدند . طرح لبیک یا خمینی از مجموعه نیروهای مجرب و کارآموده ای که دوره های عملیاتی را گذرانده و از تجارب چندین بار شرکت در عملیات رزمی برخوردارند تشکیل شده است که داوطلبانه خواهان شرکت در جبهه های نور علیه ظلمت هستند . بنا بر این گزارش روز گذشته نیز حدود ۱۰۰۰ تن از نیروهای فتح ۲ از پادگان امام حسین عسازم جبهه ها شدند . " (صدای جمهوری اسلامی ، ۲۱ فروردین)

ابعاد تمرکز نیرو در جبهه های جنگ بی سابقه است . تجربه عملیات اخیر نشان داد که رهبران جمهوری اسلامی به هیچ وجه از بکار بستن تاکتیک " انسان در مقابل سلاح " ، یعنی به روی میدانهای مین و جلوی رگبار مسلسل فرستادن " موجهای انسانی " ابایی ندارند . در عملیات آتی نیز ظاهراً چنین فجایی کاملاً پیش بینی شده است . رشنجانی رئیس مجلس و نماینده آیت الله خمینی در شورای عالی دفاع در مصاحبه باشبکه تلویزیونی " ای . بی . سی " گفته است :

" اینکه نیروهای ما اخیراً در سراسر جبهه بطوری سابقه ای متمرکز شده اند این صحیح است ، این کار را ما کرده ایم . . . بهرحال اکنون ما نیروی کافی در مرز داریم . . . ما این نیروها را در سراسر جبهه ها داریم . ما از کردستان ، حاج عمران ، در نقطه شمالی جبهه تافاو و همه

جا نیرو به اندازه کافی داریم و متناسب با اهدافی که در سراسر جبهه داریم نیرو منبیس کرده ایم . " (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

کار بجایی رسیده است که در ایران برای " متولدین ذکور ۱۳۴۸ " (یعنی ۱۵ ساله ها) هم نقشه گسیل شدن به جبهه های جنگ و یابسه عبادت بهتر سوختن در کوره جنگ را کشیده اند . (اعلامیه اداره گذرنامه دایر بر محدودیت خروج از کشور برای متولدین سال ۱۳۴۸ مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

از سوی دیگر ، تدارکات نظامی از جانب عراق نیز ادامه دارد . رژیم صدام با تکیه بر احساسات ناسیونالیستی و سوء استفاده از نقشه های مداخله گرانه حکام جمهوری اسلامی خود را برای انجام یک کشتار دیگر از جوانان و جوانان گسیل شده به سرزمینهای غریب آماده می سازد . حکومت ایران به فراخوانهای متعدد مجامع بین المللی برای قطع جنگ پاسخ منفی داد و اوزید پرش راه حل مسالمت آمیز سرسبز می زند . از جمله ، فراخوان اخیر شورای امنیت در محکومیت استفاده از سلاح شیمیایی و نیز قطع جنگ را می توان نام برد .

در چنین شرایطی ، فراخوان اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مورخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۲ به میهن پرستان ایران اهمیت روز افزون پیدا می کند :

" کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، قطع جنگ و برقراری صلح را هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران می داند . برای رسیدن به این هدف ، برای پایان دادن به کشتار مردم و ویرانسی کشورمان راه همکاری و هماهنگی را برگزینیم . "

" پایان دادن به جنگ و دستیابی به صلح نیازمند مبارزه گسترده و هماهنگ ماست . مردم ایران جبهه هایی را که حکومت به هوای رسیدن به هدفهای مداخله گرانه خود دگشوده است و مدام آنها را در آن سوی مرزهای کشور ما گسترش می دهد ، پشتیبانی و تقویت نمی کنند ، مردم از اعزام جوانان خویش به این جبهه ها خودداری می کنند . عزیزان خود را نمی فرستند تا در سرزمینهای دیگران بجنگند و کشته شوند . مردم میهن ما صدای مخالفت و اعتراض خود را بلند و بلند تری می کنند . "

نیروهای آزادبخش السالوادور به پیش می روند

السالوادور و ری در آمریکا، هند و راس و منطقه کانال پاناما تعلیم نظامی می بینند. چندین پیش آمریکا یک مرکز تعلیم نظامی جدید در هند و راس تاسیس کرد، که مشاوران نظامی آن به تعلیم سربازان و افسران ارتش السالوادور مشغولند. تعداد مشاوران نظامی آمریکادر السالوادور از ۵۵ به ۹۷ نفر رسیده است.

مقاومت نیروهای آزادبخش السالوادور

کک نظامی و اقتصادی آمریکا نتایج دلخواه وی را بیار نیارود. مبارزه نیروهای انقلابی السالوادور از درگیریهای محلی کوچک به میدان نبرد های وسیع فرار وید و در اکثر نقاط کشور مبارزه رهایی بخش در جریان

میهن پرستان السالوادور که تحت رهبری جنبه آزادبخش فارابوند و مارتی و جنبه دمکراتیک انقلابی، در راه استقلال و آزادی کشور خود مبارزه می کنند، از دسامبر سال ۱۹۸۲ در حال پیشروی هستند. آنها موفق شده اند توأزن قوای نظامی - استراتژیک رابه نفع خود درهم شکنند و بخش های قابل ملاحظه ای از خاک این کشور رابه تصرف درآورند. ایسپن پیشروی، امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی السالوادور رابه هراس انداخته است. امپریالیسم آمریکا باتمام قوا سخن در حفظ رژیم دیکتاتوری این کشور دارد. کیسیون آمریکای مرکزی کدسه جهت قلع و قمع جنبشهای آزادبخش این منطقه تشکیل شده است، یکی از رسالت های خود را سرکوب نیروهای انقلابی السالوادور می داند.



است. تحت این شرایط دولت السالوادور به مبارزان این کشور پیشنهاد آتش بس موقت را کرده است. آتش بس موقت ترفندی بیس نیست تا بدین وسیله بنیه ارتش را تقویت کنند و توأزن قوا رابه نفع خود درگروگن سازند. امپریالیسم آمریکا مخالف حل مساله السالوادور از راه مسالمت آمیز آن است. نیروهای مبارز السالوادور همواره خواهان گفتگو و مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا بوده اند. اما نمایندگان ریگان این مذاکرات رابه اتمام نرسانند. یا آنرا قطع کردند. هدف از ایسپن مذاکرات رانمایندگان جنبه های آزادبخش کشور تشکیل دولت موقت مرفقی برپایه وسیع

ککهای نظامی و اقتصادی آمریکا بسسه السالوادور بطور روز افزونی افزایش می یابد. طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ دیکتاتورهای السالوادور یک میلیارد دلار کک دریافت کرده اند. آمریکا در جریان سال مالی ۱۹۸۳/۶۴ میلیون دلار جهت مقاصد نظامی در اختیار رژیم السالوادور قرار داد. کنگره آمریکا قرارداد کک مالی دیگری بالغ بر ۱۷۸ میلیون دلار رابه تصویب رسانده است. در سال ۱۹۸۴ کک مالی بسه ۱۲۰ میلیون دلار رسید و ۳۸ میلیون دلار برای " رشد و پیشرفت " (بخوان، ستم و سرکوب) و ۳۷/۵ میلیون دلار جهت واردات مواد غذایی در نظر گرفته شده است. هزاران سرباز و افسر

توده ای می دانند.

جنبه آزادبخش فارابوند و مارتی و جنبه دمکراتیک انقلابی، برنامه دولت موقت را در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۴ تدوین کردند. این دولت باید نماینده جنبش کارگران و دهقانان، کارمندان، استادان و دانشجویان، نمایندگان احزاب مختلف و وابستگان ارتش (در ارتش ابتدا باید پاکسازی صورت گیرد) باشد.

برنامه دولت موقت

اهداف اساسی دولت موقت کسه در برنامه ۲۰ ماده ای قید گردیده است بسسه قرار زیر است:

۱ - برقراری استقلال و حق حاکمیت

ملی

۲ - نابودی دستگاه سرکوب و تضییق، احیای شالوده های دمکراسی و واقعی بارعایت حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی و شرکت و وسیع خلق در امور کشور و برقراری قطعی صلح

۳ - اتخاذ تدابیر اقتصادی - اجتماعی جهت درگرونی ساختار جامعه باتوجه به نیازهای مردم اکثریت مردم

۴ - احیای شرایط عملی برای پایان بخشیدن به وضعیت جنگی کنونی

۵ - تدارک و اجرای انتخابات عمومی

در زمینه اقتصادی، اجرای اصلاحات ارضی دمکراتیک، ملی کردن بانکها و منابع مالی و تجارت خارجی مد نظر گرفته شده است. امپریالیسم آمریکا هرگونه مذاکره در باره ایسپن موارد وارد کرده است و همچنان به جنگ افروزی در این کشور ادامه می دهد. اخیرا انتخابات نمایشی السالوادور که نیروهای انقلابی و دمکراتیک آن را تحریم کرده بودند، برگزار شد. شرایط برگزاری این انتخابات بقدری از یک انتخابات دمکراتیک واقعی دور بود که حتی خود برگزارکنندگان آن نیز مجبور به اعتراف به عدم موفقیت انتخابات شدند. انتخابات همه جا با مقاومت مردم و نیروهای انقلابی رو بسرو گردید.

ج. اونگوییکی از سخنگویان انقلابیون السالوادور اعلام کرد: در رابطه باد و رنمای حل و فصل درگیریهای السالوادور باید گفت تا زمانی که دستگاه حاکمه ریگان سیاست خود رانسبت به السالوادور تغییرند همد، امکان پایان بخشیدن بحران السالوادور از راه مذاکرات وجود ندارد. از این جهت قیام کنندگان، مبارزه مسلحانه خود را علیه رژیم ارتجاعی چه قبل، و چه بعد از انتخابات ادامه خواهند داد.

بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب پرتغال نگاهی به انقلاب پرتغال

عمل شد.

اقدام به کودتای نافرجام ضد انقلابی توسط ژنرال اسپینولا که خود از ماه مه تا سپتامبر ۷۴ رئیس‌جمهور این کشور بود و پس از آن به خارج گریخت، نمونه بارزی از تلاش ضد انقلاب جهانی برای شکست انقلاب پرتغال بود. بدنبال این توطئه‌های ضد انقلابی از ۲۵ نوامبر ۷۵ چرخش به راست در سیاست پرتغال آغاز گشت و بازگشت و نابودی دستاورد های انقلاب در دستور کار قرار گرفت.

رهبری حزب سوسیالیست این کشور در تمام این روند گردش به راست متحد ارتجاع پرتغال بود. این حزب در سال ۱۹۷۶ برمسند قدرت نشست. از طرف دیگر نیروهای چپ رو که ماجراجوییهای آنان به اپورتو نیمه راست در رسیدن به مقاصد شوم آن یاری می‌رساند، آب به آسیاب ارتجاع می‌ریختند.

حزب کمونیست پرتغال که درد و ران فاشیسم سنگر مقاومت و نمونه برجسته ایشسار و فداکاری بود پس از انقلاب با تمام قوا به دفاع جانانه از دستاوردهای او ریل پرداخت. نگاهی کوتاه به شرایط فعلی پرتغال بروشنی مبارزه سخت و آشتی ناپذیر دواردی ترقی و ارتجاع را نمایان می‌سازد. رهبران حزب سوسیالیست که در برنامه انتخاباتی خویش مبارزه با ارتجاع و سیاست ارتجاعی حکومت گذشته را اعلام داشتند، در سال گذشته پس از موفقیت نسبی خود تمام قولهای خویش را فراموش و برای یافتن اکثریت در پارلمان دست به ائتلاف با سوسیالیست‌ها زدند.

دولت ائتلافی دو حزب سوسیالیست و سوسیالیست‌ها نیز چون ارتجاع موفقیه گذشته، سیاست احیای قدرت اقتصادی و سیاسی انحصارات امپریالیستی و بازگرداندن بخشهای ملی شده اقتصاد و اراضی تقسیم شده به سرمایه داران و ملاکین را در پیش گرفت و حتی در مواردی این سیاست را تشدید کرد. هموار کردن راه برای دستیابی مجدد سرمایه بزرگ به بخشهای کلیدی ملی شده از قبیل بانکها، شرکتهای بیمه، صنایع سیمان و تولیدات کسود شیمیایی، با آنکه مالکیت خصوصی در این بخشها در قانون اساسی ممنوع اعلام گردیده است، از مقاصد حکومت است. فشار به مردم زحمتکش تا آنجا پیش رفته است که حکومت در صد درصد موجود برای سرمایه داران است تا بتواند کارگران را اخراج کرده، سطح دستمزدها را پائین آورده و حتی برای کاهش آن از ساعات کار بکاهد.

محافل حاکم با طرحران عمیق اقتصادی

ده سال پیش در روز ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ به حرکت درآمدن بخشی از واحدهای ارتش پرتغال بساط پیک دیگری از منورترین رژیمهای فاشیستی برچیده شد.

در سال ۱۹۳۲، با بقدرت رسیدن سالارزار و چهار سال پس از کودتای نظامی بر علیه نظام جمهوری، دوران فاشیسم در پرتغال آغاز گشت.

در سال ۱۹۶۸ کائانو نخست و زیرسر پرتغال شد و راه همفکر خود سالارزار را ادامه داد. در این دوران کوشش جهت ایجاد شکاف در اپوزیسیون و بطور عمده محروم ساختن آن از یگانه نیروی متشکل خود یعنی حزب کمونیست پرتغال با حدت و شدت تمام دنبال گشت. هدف عمده فاشیسم حاکم در این دوران ایجاد آرایش از طریق ترور و بیدادگری بود، مردم محروم پرتغال ظلم و ستم روا شده بر آنان را باگوش و پوست خود لمس می‌کردند.

برسستر این شرایط مبارزه مردم علیه رژیم پیش از پیش گسترش یافت. بسط مبارزات حشقی طلبانه مردم با مساله مستعمرات ارتباط تنگاتنگ داشت. درد و رانی که انقلاب با رهایی بخش ملی لرزه برانداخت و دولتهای نیرومند استعمارگر انداخته بود و جز عقب نشینی و تن دادن به استقلال مستعمرات خویش راهی نداشتند، رژیم فاشیستی پرتغال و اقمیت سترگ دوران ما را که استعمار محکوم به فناست، درک نمی‌کرد و چنگ و دندان در صدد حفظ مستعمرات خود بود. درگیر شدن با جنبشهای استقلال طلبانه در موزامبیک، آنگولا و کینه بیسائو، بسیج ارتش جهت سرکوب این جنبشها و بلیجده شدن قسمت عمده بودجه کشور در این راه، سرکشی و طغیان رادارتنش دامن زد.

بدنبال قیام ۲۵ آوریل، ژنرال اسپینولا رئیس‌جمهور شد و دولت وقت بریاست دایالما کارلوش تشکیل گردید. در این دولت کمونیستها، سوسیالیستها، جنبش دمکراتیک و کاتولیکهای مرفی شرکت داشتند.

انقلاب پرتغال هم چون سایر انقلابات معاصر دستاورد های عظیمی به همراه داشت. انحلال سازمان امنیت، احیای دمکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، تصفیه ارتش از عناصر فاسد، ایجاد تعاونیهای دهقانی و ملی کردن بخشی از بانکها و صنایع بزرگ نمونه هایی از آنند. انقلاب پرتغال نیز از اقدامات توطئه گرانسه امپریالیسم آمریکا در امان نماند و امپریالیسم جهانیتهکار آمریکا از طریق سیا و عامل آن سفیر آمریکا در آن کشور و سایر نوکران داخلش وار د

و مالی موجود در پرتغال سعی در توجیه و ابستگی روز افزون به امپریالیسم و صندوق بین‌المللی پول و نیز دیگر اقدامات معمول در جهت منافع کلان سرمایه داران را دارند و از این بحران بعنوان يك عامل تبلیغاتی استفاده می‌کنند. این سیاست ارتجاعی خطری جدی برای دمکراسی در پرتغال است. برای ذکر نمونه کافی است به گزینش مونتاپینتو به سمت وزیر دفاع نام برد که همه از همکاری او با محافل فاشیستی مطلعند.

باتوجه به همه این مسایل نتیجه انتخابات سال گذشته که در آن حزب کمونیست پرتغال به پیروزی درخشانی دست یافت و وقایع پس از آن نشان داد که کشور پرتغال به هیچ وجه محکوم به پذیرش اراده دولتهای ارتجاعی و راستگرا نیست. حزب کمونیست پرتغال بر آن است که زمینه تشکیل يك حکومت دمکراتیک و پیشبرد يك سیاست دمکراتیک پیش از پیش موجود است و بدین جهت تشدید مبارزه علیه حکومت راستگرای فعلی امری ضروری است که وظیفه همه نیروهای ترقیخواه را تشکیل می‌دهد. حزب کمونیست پرتغال در صفوف مقدم این مبارزه است.

آموزشهای سترگ لنین چراغ راهنمای بشریت

بقیه از صفحه ۷

پس، اپورتو نیمه در مسایل تشکیلاتی رازیسر تیغ برنده انتقاد برد. او خطرات ناشی از کم بها دادن به اهمیت تشکیلات برای طبقه کارگر را خاطر نشان ساخت.

در کتاب "چه باید کرد؟" لنین "اگو نومیس" بعنوان يك جریان اپورتو نیستی در سوسیالیسم دمکراسی روسیه راز نظر ایدئولوژیک به ورشکستگی کشاند. او ثابت نمود که اگو نومیستها مبلغ نوعی از برنشیتینیم هستند که بعد از مارکس و انگلس باشعرازادی انتقاد که معنایی جز وارد کردن ایدئولوژی بورژوازی به صفوف طبقه کارگر نداشت، به میدان آمدند. در این نوشته لنین مطابق با شرایط تاریخی ایده‌های مارکس و انگلس در رابطه با حزب بعنوان يك نیروی انقلابی و هدایت کننده و متشکل را بسط داد و رابطه آگاهی با حرکتهاى خود بخودی را در جنبش کارگری توضیح داد. هرآنچه لنین به نگارش در آورد چسراغ راهنمای طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان شد. آموزشهای او در تلفیق با علم انقلابی رانقلابیه بر موانع پیشرفت و تکامل بشریت نشان می‌دهد. مشعلی که لنین برافروخت، امروز در حیات شکوفا و بالنده سوسیالیسم و اقوام موجود، در نبرد سترگ کمونیستها و انقلابیون سراسر جهان در راه صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی، در مبارزه طبقه کارگر جهان سرمایه داری برای نیل به سوسیالیسم، در پیکار خلقها برای راهی از سلطه امپریالیسم و ستم نواستعماری، زنده است و هر روز فروزان تر می‌گردد.

صلح و ترقی اجتماعی است. نتود و ریوکوف رهبر بلخارستان طی بیاناتی خطاب به شرکت کنندگان در کنگره گفت: "پیشرفت تمدن بدون صلحی پایدار غیر ممکن است." وی افزود: جامعه کشورهای سوسیالیستی به نحوی پیگیری راه تحکیم مبانی امنیت بین المللی و قطع مسابقه تسلیحاتی مجاهدت می ورزند. نتود و ریوکوف اظهار داشت: سیاست نظامی گرانه و اشیینگتن که موشکهای جدید هسته ای خود را در خاک اروپا مستقر و نقشه های جنگ فضایی را طرح ریزی می کند صلح جهانی را تهدید می نماید.

تظاهرات با شکوه کارگران فولاد علیه سیاستهای دولت فرانسه

کارگران معادن آهن و کارخانه های فولاد سازی منطقه لورن فرانسه با ۳۰۰ اتوبوس و ۱۲ قطار ویژه روز ۱۳ آوریل به پاریس رفتند تا اعتراض خود را علیه طرح فولاد "دولت فرانسه اعلام نمایند. کارگران کارخانه های منطقه پاریس نیز به این راهپیمایی پیوسته و آنرا به بزرگترین راهپیمایی مردمی در فرانسه ظرف سه سال گذشته، تبدیل کردند. این راهپیمایی بوسیله ۶ سندیکای مهم فرانسه و در رأس آنها کنفدراسیون عمومی کساز (ت.ا.ت) سندیکای انقلابی که بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه نیز هست، سازماندهی شده بود. این نخستین بار طی چند سال گذشته بود که این سندیکاهای در یک راهپیمایی، مشترکاً و در سطح ملی شرکت می کردند.

روزنامه وامینته روز ۱۴ آوریل نوشت: "این حرکت جمعی تنها راه مقابله با فشارهای روزافزون کارفرمایان و احزاب دست راستی و پیشروی بسوی دستیابی به اهداف سال ۱۹۸۱ (سال پیروزی احزاب چپ در انتخابات) می باشد."

تحت حمایت آمریکا، در گرفت. دانیل اورتگا هماهنگ کننده شورای دولتی نیکاراگوئه اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار مزدور در حملات کنونی غذا انقلاب شرکت دارند. حدود ۶ هزار تن از این ضد انقلابیون از مناطق مرزی هندوراس و کستاریکا به نیکاراگوئه نفوذ کرده اند.

بیش از ۱۱۰ هزار عضو اتحادیه سندیکایی ساند نیست نیکاراگوئه تصمیم گرفته اند تولید را افزایش دهند. در کارخانجات و تعاونی ها افراد زیادی را و طلب شرکت در نبرد علیه ضد انقلاب شده اند.

ضد انقلابیون افغانی مجهز به سلاح شیمیایی امریکایی

در نمایشگاهی که در کابل پایتخت افغانستان برگزار گردید، ادوات و تجهیزات نظامی به غنیمت گرفته شده از اشغال و ضد انقلابیون افغانی به نمایش گذاشته شد. از جمله سلاحهایی که در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت، بمبهای شیمیایی ساخت آمریکا بود. این سلاحها حاوی مواد سمی خطرناکی نظیر "توکسین" بودند. همچنین مقامات افغانستان اعلام کردند سازمان سیاهه یکی از عوامل افغانی خود "سیانور" داده بود تا آب آشامیدنی شهر کابل را مسموم کند.

صوفیه میعادگاه دانشجویان دمکرات جهان

کنگره اتحاد بین المللی دانشجویان روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در صوفیه پایتخت بلخارستان با شرکت نمایندگان قریب ۱۲۰ کشور جهان گشایش یافت. مهمترین بخش دستور کار این کنگره، مبارزه جوانان در راه



رفیق چرنکو به عنوان صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب شد

در روز چهارشنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس، به اتفاق آرا، رفیق کنستانتین اوستینیوویچ چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را به سمت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برگزیدند.

همچنین در روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در ادامه اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی، رفیق نیکولای تیخونوف مجدداً به مقام ریاست دولت، آندره گرومیکو به مقام وزارت امور خارجه و مارشال دیومیتری اوستینیوف باردیگر به مقام وزارت دفاع کشور برگزیده شدند.

۱۱ هزار ضد انقلابی به نیکاراگوئه یورش آوردند

در دادگاه بین المللی لاهه رسیدگی به شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا در رابطه با مین گذاری بنا در این کشور توسط سازمان سیا ادامه دارد. در همین حال، در نیکاراگوئه نبردهای سختی میان نیروهای دولت انقلابی و ضد انقلابیون

با جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را رفقای انگلستان تأمین کردند

معادل بهای "اکثريت"

آلمان فدرال ۱ مارک
اتریش ۸ شلینگ
آمریکا ۵۰ سنت
سوئد ۳ کرون
انگلستان ۳۰ پنس
فرانسه ۳ فرانک
ایتالیا ۶۰۰ لیر
هندوستان ۴ روپیه

با نشریه "اکثريت" می توانید طریق آدرس های زیر مکاتبه کنید.

آلمان فدرال
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W.-GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا